



۲۰۱۳/۰۷/۱۱



عبدالحميد سامع

مکتبی بر «شکست امریکا در سیاست»: خطر به جان حامد کرزی»

محترم «ص، سلیم» مطلبی را تحت عنوان: «شکست امریکا در سیاست: خطر به جان حامد کرزی»، در «پورتال افغان جرمن آنلاين» بتاريخ ۲۰۱۳/۰۷/۰۸ بدست نشر سپرده اند، که مستقیماً در «دریچه نظرخواهی» گذاشته شده است. متفاوت از دوستانیکه این نوشته را از جانب کسی با نام مستعار «شناخته» و دلایل و نظرات خود را ارائه داشته اند، می خواهم اینجانب هم به نوبه خود، صرفنظر از اینکه مطلب از آدرس «مستعار» باشد، فقط به نسبت اینکه موضوعات، با حیات و سرنوشت مردم ما و صلح و امنیت در منطقه و جهان ارتباط می گیرد، نکات چندی را از دیدگاه خود بعرض برسانم. برای اینجانب نقش «شخص» و یا «گروپی» از «اشخاص» مطرح نیست، که باید در «دفاع» و یا در «مخالفت» با هر یک به شیوه «جدال علمی» و یا «پولیمیک» پرداخته شود.

مسئله بر سر «اصول و پرنسیپ» است، اینکه چه «کسی» آنرا مطرح می سازد، اهمیت ندارد. آنچه برای آینده هر جامعه از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد، آنست که «رهبران» آن جامعه، به «نبض» مناسبات داخلی اجتماع و همچنان با چنین مناسبات در «عرصه بین المللی» در حال و گذشته بخوبی آگاهی حاصل نموده، عملاً در راه «بهبود» شرایط حیاتی، برای اتباع دولت و باشندگان قلمرو آن بپردازند و با مسؤلیت در برابر بشریت حرف بزنند.

محترم «ص، سلیم»، چه در «عنوان» و چه در متن چنان «فورمولبندی» های عام و کوتاه و به اصطلاح از «هر چمن ثمنی» بزبان می آورد، که حتی از نگاه مفهوم، بطور «غیر دقیق» بکار برده است، که فارغ از اهداف نا سالم عمدی و حتی دور از احتمال توطئه تبلیغاتی، نخواهد بود. ذکر مطلب پراکنده از مدتهای طولانی خود سؤال بر انگیز بوده می تواند. بعد از عنوان بحث بر انگیز، جمله اول را چنین بیان می نمایند:

«در باره حادثه یازدهم سپتمبر دو نظر مخالف وجود دارد. یکعده آنرا یک حادثه واقعی می دانند که بیش از سه هزار تن بیگناه قربانی آن شد و عده ای دیگر آنرا حادثه سازمان یافته برای اهداف جهانی امریکا می پندارند. ما در اینجا در پی ثابت ساختن درستی این یا آن نظریه نیستیم...»

خوانندگان محترم هر گاه با دقت لازم توجه نمایند، خود می بینند که در مورد، این حادثه «مهم» که خود یاد کرده اند، تا چه حد از «صرفه جوئی» کلمات استفاده شده است، چرا؟ از پیروان این «دو نظر مخالف» با تفکیک نام نمی برد، تا دیده شود که کدام یکی ازین جوانب، در عمل «جنایت نا بخشودنی» را که در برابر «انسانهای بی گناه» انجام گرفته است، محکوم نموده و چه موقف گرفته است و هم چگونه قضاوت می کند. برای گریز از قبول و دریافت حقایق، با صرفنظر از اینکه در کجا بوقوع پیوسته است، چنین می نویسند: «... ما در اینجا در پی ثابت ساختن درستی این یا آن نظریه نیستیم...». چرا نباشید؟ درحالیکه این حادثه نقطه اعظمی، وقوع تمام «اعمال تروریستی» شمرده می شود که توسط حلقات «متهم» معلوم الحال ای که «رد پای» آنها، به خاک «افغانستان» «تشخیص» داده شده بود، انجام یافت. درست است که درین «عمل» اراده و خواست مردم افغانستان سهم نداشته است. زیرا مردم در تحت حاکمیت دو گروپ متخاصم «بنیادگرای اسلامی»، که مصروف جنگ بر سر قدرت بوده اند، خود زیر بار ظلم و ستم، غرق در خاک و خون بسر می برده است، بدون شک این جنایت، «عمل و هنر افراطیون» و «سازمان تروریستی» بین المللی بوده است.

این را هم می دانیم که در ادوار مختلف، حلقات معینی در «جهان» موجود بوده و هستند، که در هر موضوع افکار و نظرات را بر مبنای «تیوری» های «توطئه» و «دسیسه» نیز، پخش می نمایند. محترم «ص، سلیم»، هم چنان، هر دو «نظر» را در یک «صف» قرار می دهد. این بی تفاوتی خود مورد سؤال است. زیرا موقف کشور «ایالات متحده امریکا» را که با قریب «۳۰۰» میلیون باشنده آن بزرگترین قدرت جهان، که در قریب همه ساحات

د پائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

عمدهٔ حیات بشری نقش عمده بازی می کند، با پیروان «تیوری توطئه و دسیسه»، که چنن «مهر» را برین کشور عظیم روا می دارد، دریک ردیف قرار می دهد. کشوری که همین «مجاهدین» اسلامی افغان را در «عقب نشینی» قدرت بزرگ «جهانی» وقت از خاک افغانستان حمایت همه جانبه نمود، بعبارت دیگر این «بیگانه قدرت بزرگ جهان» را، با موضعگیری و «حکم» بدون «ثبوت» یک گروپ نا معلوم مخالف برابر ذکر می کند.

کشور و قدرت ای که در طی مدت قریب ۱۲ سال در حمایت از «مشی» آن، بیش از ۴۰ کشور، حتی قوای «نظامی» به افغانستان نیز در حمایت از «جنگ علیه تروریسم» فرستاده اند، با موقف «حلقات موهوم» مقابل نموده، چنن افاده می کند: «... عده ای دیگر آنرا حادثهٔ سازمان یافته برای اهداف جهانی امریکا می پندارند...». انسان حق دارد با سیاست های مشخص از هر کشوری که به نظر انسان درست نباشد، مخالفت کند، اما نه اینکه در هر قدم و هر اقدام، بدون تأخیر مخالفت نموده و موقف خصمانه داشته باشد.

در حالیکه قضاوت و تحلیل در بارهٔ محتوا و مفاهیم مرتبط به آن درین مقالهٔ آقای «ص، سلیم»، «ایجاب» نوشتن «کتاب» می نماید، که درینجا گنجایش دیده نمی شود، در قدم اول می توان استنتاج نمود که جناب نویسنده، ممکن، این چنن «فورمولبندی ها» را برای «تشدید تبلیغات ضد امریکائی» و غربی، در مطابقت با طبع و برداشت «افراطیون» معلوم الحال، نوع «طالب»، «گلبندین حکمتیار»، «جلال الدین حقانی» و غیره، بشمول تبلیغات «القاعده» و ماورای «چپ»، بکار برده باشد، به «امید» اینکه، با «تزییق» چنن یک «واکسین» هم برای «رئیس جمهور نا مطمئن» افغانستان، در مرحله ختم دورهٔ مأموریت «فساد افزا»، و «گنج انحرافات سیاسی»، یک نوع «معافیت» و «آرامش روحی» ببخشد، در عین حال «حلقه» معلوم الحال راکه، متشکل از «کتگوری های بنیادگرایان اسلامی» که کشور را در بیش از «بیست سال» اخیر در قید «جنگ داخلی» حفظ نموده اند و وقتاً فوقتاً از شعار های «ضد غربی» و حتی «صلیبیون»، شامل مشی «اصابت کلتور ها» نیز کار می گیرند، در زیر «بال رئیس جمهور» افغانستان محفوظ نگهدارند.

رئیس جمهور، که خود از نگاه «ایدیالوژیکی» از جمله اعضای «بنیادگرایان اسلامی» با «پیوندهای عمیق با منفذین محلی»، نیز محسوب می گردد و از منسوبیت و موقف «قومی و قبیله‌ای» خود در جهت کسب و حفظ «قدرت»، استفادهٔ سوء می نماید، با اصول «دیموکراسی» در عمق موقف آشتی نا پذیر عقیدوی دارد، صرفنظر از «ضعف های» افشاء شدهٔ «صحی» او، فقط در «نقش» سیاسی، بنابر «میتودها» و «تاکتیک ها» در بخش «پیوند با حلقات» خارجی، باید از «جانب بنیادگرایان» برایش «فتوای» مخفی داده شده باشد، که گاهی هم پای خود را از «گلیم» مذهبی و عقیدوی فراتر بگذارد و احتمالاً در جای معین کلمهٔ «دیموکراسی» و صحبت به زبان «خارجی» را هم برایش مجاز دانسته باشند. وقتی بعنوان مثال با طریق «ترور برادرش» در قندهار و یا در آغاز کارش حین سفر در قندهار، محل تولد او توجه شود، نویسنده خود باید بداند که «امنیت صد فیصد» در زندگی هیچگاه وجود نمی داشته باشد. صرفنظر از اینکه، چنن پیشگونی ها، غیر علمی و ناسالم شمرده می شود، بیشتر از آن خطر «انتحاریون مذهبی» به «جان» او محتمل خواهد بود، که ممکن «سپردن واسکت خودکشی» برای «نزدیکان» عقیدوی و «سیاسی» این حلقه از احتمال خارج بوده نمی تواند. فقط فیصدی احتمال نا «معلوم» است.

بهر صورت، در «فورمولبندی های» آقای محترم «ص، سلیم»، که بررسی همه «جملات» درین مقاله ایشان ممکن نیست و به آینده موکول می گردد، فقط چند «نقطه» تذکر داد می شود: مساعد ساختن زمینه های دفاعی در آینده، برای رئیس جمهور و دوستان همکار ایشان، که معمولاً در دیگر نقاط دنیا، بوقوع پیوسته است، هر گاه موضوعات «فساد اداری» و استفادهٔ جوئی های اقارب و اختلاس های احتمالی و «خویش خوری ها» و غیره «سهل انگاری ها» مطرح گردد، بتواند، از تذکر این اوضاع نوع «اهداف سیاسی» ضد امریکائی را «بهانه» سازد و بدین ترتیب برای «محاکم» بجای «در نظر داشت جوانب جرمی»، که اگر احیاناً کدام مرجع «سارنوالی» مطرح نماید، «مهر» انگیزه و «انتقام سیاسی» کوبیده بتواند.

چنن یک موضعگیری و براه انداختن «شعار ها» و نحوهٔ طرح مسائل «قومی»، می توان تا حدی این «مقاله» را یک نوع «فرار به پیش» دانست. این «سر لشکر هنرمند» که تا بحال از همه امتیازات بخصوص در صحنهٔ بین المللی برخوردار بوده است، حتماً مبتلا به تکلیف خاص روحی، «جنون تعقیب» مبتلا گردیده است. طرفداران و یا گروپ هائیکه از دور و پیش او سود می برند، بجای نجات وطن از ادامهٔ جنگ و رسیدن به صلح، بگوش او

«سرود نجات رهبر» را می نوازند. قبل از وقوع حادثه، «قاتل» را محکوم می کنند. اگر حوادث توسط «انتحاریون» در جوار و یا ساحه «مقر» رئیس جمهور صورت می گیرد، بجای اینکه بر «انگشتان» برادران «اخوانی» در حال رقابت و اختلافات بر سر قدرت بنگرند، فوراً با ذخایر معلوماتی بیش از «صد سال» بازی های قدرتهای بزرگ اینبار توجه را بسوی «قدرت بزرگ امریکا» که سالها از اعتماد و منفعت بردن از جانب آن برخوردار بود اند، میذول می دارند. خوانندگان محترم لطفاً دریابند، که در کدام کشور و یا در چند کشور، همین اکنون «وزرای» امنیت «دولتی» را می شناسند، که بعد از یک دوره «طولانی» خدمت درین مقام، بطور علنی بر ضد «سیاست» رئیس جمهور خود، وارد میدان شده باشند. علی الرغم، دوری این فرد از مقام، هنوز هم بر افراد و شبکه طرفدار خود، از نفوذ قوی برخوردار باشد.

در دوره قریب ۱۲ سال، نقشی را که این دولت «تحت رهبری» این رئیس «جمهور» ایفاء نموده است، دیده شده است که «بجای» عملی ساختن اصول «حقوق انسان» در مطابقت با «قانون اساسی» که دولت «ملی» بمعنی اصلی «کلمه» باید رشد و تقویت می یافت، نه تنها «حکومت» را براساس ترکیب «قومی و مذهبی»، بین «جنگ سالاران» متنفذ و «ناسیونالیزم جهادی» تقسیم و اداره نمود، بلکه منحصراً یک «هنرمند» خواست «وحدت ملی» را ظاهراً در ترکیب «پارچه های» متعدد لباس خود، «تمثیل» نماید، اما در عمل به «بنیادگرایان» خدمت نموده و آنچه در تحت نام «دیموکراسی» بزبان می آورده است، فقط بخاطر فریب توده ها، بوده است.

در ختم این مطلب برای جناب محترم «ص، سلیم»، بطور مختصر یاد آوری می گردد، که «جهان ما» جهان قبل و بعد از جنگ اول و دوم جهانی، الی «فروپاشی» پیمان «وارسا» و سقوط «رژیم های سوسیالیستی»، یا «سیستم های» یک حزبی نیست. آنچه در قرون گذشته موقعیت افغانستان در چشم «قدرت های بزرگ» از «اهمیت جیو پولیتیک» و به اصطلاح «اهمیت ستراتیژیک» برخوردار بوده است، حال در شرایط فعلی این قلمرو کشور محاط به «خشکه» افغانستان، آن اهمیت خود را از دست داده است، که دوران «جنگ داخلی» و موجودیت «لانه های تروریسم بین المللی» در آنوقت، بر بد نامی آن هر چه بیشتر افزوده است. با پیشرفت های سریع السیر علمی تخنیکی و اختراعات بی حساب ای که کشور ما، از آن در فاصله دور قرار دارد، اساساً چنان تغییر اساسی نشان می دهد، که درینجا بیدار شدن این هواداران «مشکوک» از «خواب غفلت» یک امر ضروری و حیاتی شمرده می شود.

اینکه «ایالات متحده امریکا» واقعا به «پایگاه های «نظامی» «دائمی» و یا «کوتاه مدت» نیازی خواهد داشت و یا خیر، خود بصوت کافی اطلاع می دهد. امریکا به افغانستان «محتاج» نیست. وقتی چنین کشور، حاضر به توافق روی موضوعات مختلف، بر اساس «حقوق بین الدول» حاضر میگردد، که با افغانستان بحیث یک کشور مستقل، روابط داشته باشد، جانب رهبران دولت کنونی «افغان» که تا اکنون امتحان قابلیت خودی «اداره کشور» خود را سپری ننموده اند، تا گذشت «دوره ناهت» از «لاف و گزاف» خودداری نمایند. رهبری افغانستان امروز نسبت به هر وقت دیگر، به تعریف دقیق تر مفاهیم در مناسبات «بین المللی» و دقت بیشتر در برخورد با فرهنگ با دول دیگر نیاز دارد. دست دوستی هر کشور را اگر ضعیف است و اگر قوی، بدون تبعیض با گرمی و صمیمیت انسانی بشارد. زمامداران همچنان، نباید از نظر دور داشته باشند، که «حل منازعه» هنر و کفایت هر مأمور آن دولت بوده نمی تواند. درخاتمه باید گفت که معلومات در باره «ذخایر» طبیعی افغانستان و حدود اربعه آن، برای قدرت های بزرگ، نظیر «روس»، «امریکا» «چین» و «هند» و اکثریت کشور های اروپائی، بعد از حضور قوای آنها، افشاء نشده است، بلکه از دیر زمانی معلومات لازم را جمع آوری نموده اند. بناءً توصیه معقول خواهد بود، تا به این «افسانه ها» خاتمه داده شود.

پایان